



ضمانت اجراهای ناشی از عقد نکاح در حمایت از سلامت زنان

سونیا علیزاده سامع

استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول)

Sonya.alizadeh@yahoo.com

زهرا جلیلیان آذر

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق خانواده، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

Zahra98937@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: مسئله ازدواج و عقد نکاح به عنوان یکی از مقدس‌ترین امور مربوط به زندگی اجتماعی شناخته می‌شود که در مبانی فرهنگ ایرانی _ اسلامی، از آن به عنوان ستون‌های مقدس جامعه یاد شده است. در مطالعه حاضر سعی می‌شود به سوال پژوهش تحت عنوان "ضمانت اجراهای ناشی از عقد نکاح در حمایت از سلامت زنان" پاسخ داده شود.

روش تحقیق: در این پژوهش از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است.

یافته‌ها: نکاح نوعی عقد است و طبعاً شرایط اساسی صحت (موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی) و قواعد عمومی تعهدات باید در آن رعایت شود، یکی از قواعد عمومی تعهدات، امکان الزام متعهد به انجام موضوع تعهد است ولی تردیدی نیست که قواعد عمومی معاملات تا جایی در نکاح می‌آید که با طبیعت اولیه نکاح سازگار باشد

نتیجه: یکی از چالش‌های حقوقی که محاکم را نیز درگیر خود نموده است بحث تعهد به ازدواج دائم است که رعایت این تعهدات (ضمانت اجراها) باعث حمایت از سلامت زنان می‌شود.

کلید واژه‌ها: قانون، نکاح، ضمانت اجرا، حمایت، سلامت زنان



مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از مهمترین عقودی که روزانه در جامعه میان زن و مرد منعقد می شود، همانند هر عقد دیگری حقوق و تکالیف مهمی را برعهده طرفین قرار می دهد. اهمیت عقد نکاح با توجه به ماهیت و آثار آن به مراتب از سایر عقود بیشتر است و به همین دلیل است که قانونگذار توجه ویژه‌ای نسبت به این عقد داشته است.

با توجه به آثار و حقوق و تکالیفی که در عقد نکاح، زوجین به آن متعهد می شوند در قانون شرایطی پیش بینی شده که زن و شوهر بتوانند پیش از انعقاد عقد در خصوص بعضی موضوعات با یکدیگر به توافق رسیده و با درج شروط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه، یکدیگر را متعهد به رعایت این شروط نمایند. وفاداری تکالیف زوجین است ولی هر تکلیفی برای نقض آن ضمانت اجرا می خواهد. متأسفانه به طور شفاف و قاطع قانون جواب این سؤال را نداده است. عده ای معتقدند که می توان از طرفی که خیانت یا نقص وفاداری کرده مطابق قواعد مسئولیت مدنی مطالبه خسارت مادی و معنوی کرد اینها فقط تئوری پردازی محض است و در عمل اینگونه خسارتها منجر به صدور رأی نخواهد شد.

اثبات نقص وفاداری از موارد سوء معاشرت و سوء رفتار است. اگر از جانب زوج باشد زوجه می تواند به دلیل عسروجرح و مستند به ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی یا استناد به شرط ضمن عقد نکاح تقاضای طلاق کند. (ضمانت اجرا) اما اگر نقص و وفاداری و مصداق بارز آن برقراری رابطه نامشروع از جانب زوجه باشد، ضمانت اجرای حقوقی آن ناشزه شدن زوجه است. زوج می تواند او را با دادن دادخواست، طلاق بدهد. البته مهریه در هیچ فرضی از بین نخواهد رفت اما ناشزه بودن تأثیر مستقیم بر روی شرط تنصیف دارایی و نفقه دارد. (یعنی ضمانت اجرای زن ناشزه)

حقوق و مسئولیت های سلامت جسمی و روانی زنان:

۱- حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی های زنان در مراحل مختلف زندگی و مسئولیت حفاظت از آن

۲- حق بهره مندی از بهداشت (محیط، کار و...) و اطلاعات و آموزش های مورد نیاز

۳- حق بهره مندی از برنامه ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری های جسمی و اختلالات روانی زنان

۴- حق برخورداری از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبت های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان بیماری های شایع زنان، بیماری های مقاربتی و نازایی آنان

۵- حق برخورداری از خدمات مشاوره ای و آزمایش های پزشکی به منظور اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج

۶- حق بهره مندی دختران بی سرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند از بیمه های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه های خاص بویژه در بخش بهداشت و درمان

۷- حق بهره مندی زنان و دختران آسیب دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امداد رسانی و توانبخشی مناسب

۸- آزادی زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش های بومی و اجرای آداب و سنت های محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنه. (منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳)

در مطالعه حاضر سعی می شود به سؤالات پژوهش تحت عناوین ذیل پاسخ داده شود:

۱- اگر زوج درصدد پرداخت حقوق مالی زوجه برآید چه پیامدهای روانی و جسمی برای زن متصور است؟

۲- اگر زوج از پرداخت حقوق مالی زوجه امتناع کند چه پیامدهایی برای وی رقم می خورد؟



۱- مبانی پژوهش

ضمانت اجرا عبارت است از وسیله مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی (اعم از امر و نهی) و یا جبران زمان زیان دیده یا به عبارت دیگر ابزاری است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین می نماید و از طرف قوای عمومی در جامعه بکار گرفته می شود. ضمانت اجرا وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجه مخالف با قانون دامن گیر شخص می شود. در قدیم حق انتقام، خون بها و جبران خسارت حق حبس (در حقوق رم) یا فروش شخص بدهکار بعنوان برده بود. برای آنکه حقوق قادر به حصول هدف باشد (تنظیم روابط در جامعه) اجباری بودن قواعد آن و همراه بودن با ضمانت اجرا را ضروری می نماید. اطلاعاتی که همراه تکلیف و اجبار نباشد جنبه حقوقی ندارد و تنها مقدمه او امر و نواهی قانون گذار است. البته باید توجه داشت که ضمانت اجرای پاره ای از قواعد حقوقی هنوز هم ناقص است (بخصوص در حقوق عمومی و روابط بین المللی) تا حدی که پاره‌ای از نویسندگان ناگزیر ضمانت اجرا را از ممیزات قواعد حقوقی حذف نمودند. به طور کلی دو نوع ضمانت اجرا قابل تمیز می باشد:

۱_ ضمانت اجرای کیفری یا جزائی یا عقوبتی که در نتیجه آن نوعی مجازات و یا جریمه بر عامل تخلف تحمیل می کند، نقصان و یا توان بر دارائی، آبرو و اعتبار یا زندگی و آزادی و تمتعات او متوجه می سازد این نوع همان ضمانت اجرای موضوع حقوق جزا می باشد.

۲_ ضمانت اجرای مدنی یا حقوقی یا ترمیمی و اعاده وضع سابق هدف از این نوع ضمانت اجرا اعاده وضع سابق (قبل از انجام خلاف قانون) می باشد گاهی اعاده وضع با اعمال زور توأم است و گاهی چنین نیست بلکه صرف بطلان یا الغای آثار اجتماعی عملی آن است که نتیجه مطلوب را حاصل می نماید. (مؤسسه حقوقی علی عبدی، ۱۳۹۹) با یک نظر اجمالی و بررسی سطحی قوانین به سادگی می توان دریافت که قانونگذار مطابق مواد ۶۴۱ تا ۶۴۷ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ و همچنین فصل هفتم از قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ به پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در امور و مسائل مرتبط با امور خانوادگی پرداخته است. لازم به ذکر است که مطابق بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده، مواد ۶۴۲، ۶۴۵ و ۶۴۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی صراحتاً نسخ گردیده است؛ بنابراین باقی مانده مواد مذکور در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و همچنین فصل هفتم قانون حمایت خانواده مبین عناوین جزایی مرتبط با حقوق خانواده و مجازات های مقرر در این رابطه خواهد بود.

۲- طلاق عاطفی

جامعه ایرانی در یک مرحله گذار قرار دارد که نه کاملاً سنتی و نه کاملاً مدرن است. در چنین فضایی نه آموزش های درون خانواده گسترده وجود دارد و نه آموزش های یک جامعه مدرن و از این روست که ما دچار بحران و فاجعه ای برای خانواده های ایرانی در پیش است.

جدایی عاطفی، آن مرحله از زندگی مشترک است که شاید از نظر فیزیکی دور از هم نباشند و حتی مشاجراتی نداشته باشند اما از نظر احساسی از یکدیگر جدا شده اند. در دنیای خارج با هم ظاهر می شوند اما ارتباط واقعی میان آنها از بین رفته است. از نشانه های آن :

۱- عدم صمیمیت عاطفی و یا جنسی

۲- کینه

۳- خیانت

۴- تغییر علایق فردی

۵- مشاجرات دائمی در طلاق عاطفی



۶- عدم صداقت

۷ - نادیده گرفتن خود در زندگی

۸ - رضایت بخش نبودن رابطه یکی از علل طلاق عاطفی

۳- عناوین جزایی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات

۳-۱ تزویج زن شوهردار

اولین عنوان جزایی، تزویج زن شوهردار است؛ قانونگذار برای کسی که زنی را که در علقه زوجیت دیگری است به عقد مردی دیگر در آورد مجازات در نظر گرفته و این اقدام را واجد وصف جزایی دانسته است و آن را شامل سردفتر ازدواج و طلاق، سردفتر اسناد رسمی و همچنین غیر آنها دانسته است. نکته قابل تأمل آنکه مجازات سردفتر و غیر سردفتر در این مورد تفاوتی ندارد و مجازات اضافی پیش بینی شده در قسمت اخیر ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی به جهت وجود خصوصیت در سردفتر و عدم آن در غیر سردفتر است.

ماده ۶۴۳_ هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

۳-۲ ازدواج زن شوهردار با دیگری

زنی که در علقه زوجیت مردی است، چنانکه با مرد دیگری ازدواج نماید و خود را به عقد او درآورد بدون آنکه هیچ فعل اضافه انجام دهد مرتکب عمل مجرمانه ای شده است که قانونگذار در بند ۱ ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی، آن را جرم انگاری کرده است. بدیهی است سایر رفتارهای مجرمانه این فرد (زن) که می‌تواند مشمول عنوان زنا محصنه و یا موارد دیگر باشد، مستقل از وصف مجرمانه مقرر در این ماده است.

۳-۳ ازدواج با زن شوهردار

ازدواج با زن شوهردار عنوان جزایی فردی است که مطابق بند ۲ ماده ۶۴۴ زنی را که در علقه زوجیت دیگری است به عقد خود درآورد. این عنوان مجرمانه و همچنین عنوان مجرمانه سابق الذکر هم شامل مردی است که دارای همسر باشد و هم شامل مردی است که فاقد همسر است؛ هم شامل عقد دائم می‌شود و هم عقد موقت؛ بنابراین چنانچه مرد مجردی زن شوهردار را به عقد موقت خود درآورد هم مشمول حکم این ماده خواهد بود.

ماده ۶۴۴_ کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱_ هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به ازدواج دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

۲_ هر کس که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.

۳-۴ فریب در ازدواج

قانونگذار در ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی برای زن یا مردی که طرف مقابل را به داشتن امور واهی مثل تحصیلات یا موقعیت اجتماعی خاص فریب دهد و عقد ازدواج بر مبنای آن واقع شود، مجازات در نظر گرفته است.



ماده ۶۴۷_ چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.

۴- عناوین جزایی موضوع قانون حمایت خانواده

۱-۴ عدم ثبت وقایع مربوط به نکاح، طلاق، فسخ و رجوع در دفاتر رسمی

این وصف جزایی که در ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده پیش بینی شده است شامل موارد زیر است:

۱_ عدم ثبت نکاح (ازدواج) دائم

۲_ عدم ثبت طلاق

۳_ عدم ثبت فسخ نکاح

۴_ عدم ثبت رجوع ظرف مدت یک ماه

۵_ عدم ثبت نکاح موقت در موارد الزامی

۶_ استنکاف از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق

موضوع جرم مذکور اساس و کیان خانواده است، قانونگذار نیز فقط به منظور حفظ کیان خانواده زوج را مکلف به ثبت رسانیدن واقعه ازدواج دائم نموده است والا شرعاً نیازی به ثبت رسانیدن آنها نمی باشد و تنها به ایجاب و قبول واقع می شود. این وصف جزایی صرفاً شامل زوج است و زوجه را در بر نخواهد گرفت.

ماده ۴۹_ چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

۴-۲ ازدواج با دختر زیر ۱۳ سال

عنوان جزایی مذکور در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده همانند ماده ۴۹ شامل مردان بوده و این جرم قابل ارتکاب از سوی زنان نیست.

ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده_ هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به واقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی_ عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به ۱۳ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

۴-۳ ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی بدون اجازه دولت

قانونگذار در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زنان ایرانی با مرد خارجی را موقوف به اجازه خاص دولت کرده است؛ فارغ از آنکه مقنن، ضمانت اجرای حقوقی ازدواج با مردان خارجی (بدون اجازه دولت) را مشخص ننموده و این خلاء قانونی محسوب می شود؛



در ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده اینگونه ازدواج ها را مستوجب مجازات مرد خارجی دانسته است. بنابراین عنوان جزایی مذکور در ماده ۵۱ هم صرفاً شامل مرد خارجی است و متوجه زن ایرانی نیست.

ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده - هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی _ ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

۴-۴ انکار یا ادعای بلاوجه زوجیت

قانونگذار برای زن یا مردی که در دادگاه برخلاف واقع و بدون اساس منکر زوجیت با فردی اساس منکر زوجیت با فردی شود که فی الواقع علقه زوجیت بین آنها برقرار است و یا مدعی زوجیت شود در حالیکه هیچگونه علقه زوجیت بین آنها برقرار نیست، وصف مجرمانه در نظر گرفته و این فعل را جرم انکاری کرده است. ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده _ هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

۴-۵ ترک انفاق

این جرم هم شامل ترک انفاق زوجه است و هم شامل ترک انفاق سایر اشخاص واجب النفقه. برای تحقق جرم ترک انفاق زوجه وجود شرایط ذیل ضروری است:

۱- استطاعت مالی زوج

۲- تمکین زوجه

برای تحقق این بزه در مورد سایر اشخاص واجب النفقه صرف استطاعت مالی کفایت می‌کند و قانونگذار شرط دیگری را پیش بینی نکرده است. بنابراین چنانچه مردی در شرایط تمکن و استطاعت مالی مخارج ضروری فرزندان واجب النفقه خود را نپردازد، مرتکب جرم ترک انفاق شده است.

ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده _ هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

۴-۶ جرایم مرتبط با حضانت طفل

ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده در مقام بیان عنوان مجرمانه ای است که اگر چه ظاهراً با دو رویکرد مطرح شده است لیکن در واقع یک رویکرد دارد و آن هم عدم انجام تکالیف مقرر در خصوص حضانت طفل از سوی مسئول حضانت است. به بیان واضح تر، آنجا که قانونگذار می‌گوید: مانع ملاقات طفل یا اشخاص ذی حق شود؛ این عبارت هم در داخل در عبارت نخست قانونگذار بوده و از مصادیق "عدم انجام تکالیف مقرر" است؛ فلذا عدم انجام تکالیف مقرر شامل ممانعت ملاقات طفل یا اشخاص ذی حق هم می‌شود.



ماده ۵۴ _ هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

۴-۷ جرایم موضوع مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حمایت خانواده

قانونگذار در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حمایت خانواده به عناوین مجرمانه پزشک و سردفتری می پردازد که به وظایف و تکالیف قانونی خود را در رابطه با امور مربوط نظام حقوق خانواده عمل ننموده اند.

ماده ۵۵_ هر پزشکی که عمداً برخلاف واقع گواهی موضوع مواد ۲۳ و ۳۱ این قانون را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۵۶_ هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد ۲۳ و ۳۱ این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده ۴۰ این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هر یک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود. (داود آبادی فراهانی، ۱۳۹۹)

۵- ضمانت اجرای عقد نکاح در قانون مدنی

۵-۱- حقوق مالی

از حقوق زنان که در زمان عقد نکاح بعنوان شروط ضمن عقد در عقدنامه آمده است حقوق مالی و غیر مالی زنان می باشد. ۱_ حق مهریه: یکی از موارد حق زنان در ازدواج و عقد نکاح، حق مهریه است که از منظر قانونی پس از ثبت عقد قابل مطالبه است و زوج مکلف به پرداخت آن می باشد. استحقاق نصف مهریه قبل از عقد نکاح و برقراری رابطه زوجیت در صورت شکل گیری طلاق و مقرر کردن مهریه در ازدواج موقت و باطل بودن عقد در صورت عدم تعیین مهریه از امتیازات قانونی زنان در عقد نکاح می باشد.

۲_ حق نفقه: براساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی؛ نفقه تکلیف مرد مقرر شده است و پس از ثبت عقد نکاح، مرد مکلف به تأمین مخارج، مسکن، مایحتاج زندگی و ... زوجه می باشد و عدم پرداخت و تأمین نفقه از جانب مرد دارای مجازات حقوقی و کیفری همچون؛ پرداخت میزان نفقه مالی پرداخت نشده و حبس است. در عقد نکاح موقت؛ زوجه می تواند در عقد نکاح مشخص نماید که زوج مکلف به پرداخت و تأمین نفقه، حق پیگیری قانونی برای زوجه محفوظ است.

ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی: " در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می نماید". بنابراین؛ نفقه به عنوان حق شرعی و قانونی زن نسبت به مرد شناخته می‌شود که قانون از این حق به صراحت پشتیبانی و حفاظت می نماید.

۳_ اجرت المثل: عموم زنان ایرانی، کارهای جاری خانواده از جمله؛ آشپزی، نظافت منزل و ... را انجام می دهند و این مسئولیت های مهم را به دوش می کشند. نکته حائز اهمیت این می باشد که؛ قانونگذار پیش بینی کرده است که زنان بتوانند دستمزد و حق الزحمه خود را در خصوص انجام این امور از شوهر خود مطالبه نماید. این حق زنان در قالب قوانین اجرت المثل تعیین شده است. اجرت المثل در زمان طلاق یا قبل از آن قابل پیگیری قانونی است و عدم پرداخت آن از جانب زوج، مجازات قانونی را در پی دارد.



۵-۲ حقوق غیر مالی

حقوق زن در ازدواج، منحصر به حقوق مالی نبوده و بعضاً، زن و شوهر حقوق غیر مالی نیز بهره مند خواهند شد.

- ۱_ حسن معاشرت: براساس ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، هر یک از زوجین مکلف هستند که با یکدیگر حسن معاشرت داشته باشند.
- ۲_ حق طلاق: حق طلاق با مرد است و او می تواند هر زمان که بخواهد با مراجعه به دادگاه همسر خود را طلاق دهد و زوجه هم می تواند حین عقد شرط نماید تا در صورت لزوم بتواند با استناد به آن از شوهر خود جدا شود.
- ۳_ حق تحصیل: اخذ حق تحصیل که به موجب آن، زوجه می تواند به صلاح دید خود اقدام به ادامه تحصیل بعد از ازدواج نماید و شوهر نمی تواند در این خصوص ممانعتی به عمل آورد.
- ۴_ حق اشتغال: می توان حق اشتغال زنان ضمن عقد نکاح را از شوهر اخذ نمود تا شوهر نتواند براساس قانون زوجه را از شغلی که با شئون و حیثیت خانوادگی منافات دارد منع کند.
- ۵_ تمکین عام و خاص: در تمکین عام زوجه برای خروج از منزل، سفر کردن، تعیین محل سکونت، خروج از کشور و غیره نیاز به اخذ اجازه از شوهر دارد. زن می تواند حق همه اینها را در شروط ضمن عقد نکاح از شوهر بگیرد.

۵-۳ سایر حقوق زنان ناشی از عقد نکاح

در نظام حقوقی موضوع نکاح از مهمترین موضوعات قانون مدنی است که در مواد ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۱ قانون مدنی به آن پرداخته شده است.

کرامت زنان زمینه ساز شکوفایی جامعه خواهد شد و نباید زنان زیرسایه تعصبات و طرز فکر های اشتباه قرار گیرند. حقوق مربوط به عقد نکاح است که قوانین جاری کشور در اختیار زنان قرار داده است. متأسفانه بسیاری از زنان از حق زنان در ازدواج و عقد نکاح اطلاع کاملی ندارند و همین نقصان؛ سبب مظلوم واقع شدن زنان می شود. براساس ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: "زن به هنگام عقد می تواند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد، پیش بینی و بر مرد اعمال کند." (یوسفی صادقلو و پورمحمدعلی، ۱۳۹۹)

این ماده قانونی به خوبی مبین می سازد که؛ زنان در زمان عقد نکاح می توانند در خصوص مسائلی که از نظر شرعی و قانونی ایرادی بر آن وارد نباشد، تصمیم گیری نموده و در عقدنامه آن را درج نمایند که این امر زمینه ساز برخورداری از جایگاه قانونی در خصوص موارد مربوطه خواهد شد. در سال ۱۳۶۰ بدلیل عدم اطلاع کافی زنان از حقوق خود در زمان عقد نکاح؛ قانون گذار نسبت به تعیین شروط دوازده گانه ضمن عقد و درج آن در عقد نامه اقدام نموده که به واقع؛ زمینه ساز حمایت ویژه از زنان در امر ازدواج شد. البته این شروط دوازده گانه نافی و محدود کننده حق زنان در ازدواج و عقد نکاح در خصوص تعیین و تکلیف در خصوص مسائل مختلفی که منع قانونی و شرعی نداشته باشد، شروطی را در عقدنامه قید نمایند.

۵-۴ تعهد به ازدواج

تعهد زوج به عقد دائم نوعی شرط فعل حقوقی است شرط فعل، آن است که در ضمن عقد انجام دادن یا ترک یک فعل مادی یا حقوقی بر یکی از متعاملین و یا بر شخص خارجی شرط شود. در باب نکاح، قانون مدنی برای شروط ضمن عقد نکاح که به صورت شرط فعل ملحوظ گردیده، ضمانت اجرائی مشخص منظور نداشته است. در واقع معلوم نیست که اگر مثلاً زوجین در ضمن عقد نکاح موقت، شرطی را به صورت شرط فعل مبنی بر ازدواج عقد دائم لحاظ نمایند، چه نتیجه حقوقی ایجاد خواهد شد. از آنجا که شرط پرداخت مبلغ چک در صورت امتناع زوج از ایفای تعهد، در ضمن عقد لازم ازدواج آمده است و موضوع



تعهد اصلی نیز خلاف موازین شرع نمی باشد و تعهد به ازدواج نیز لازم الاجراست، هر چند در صورت امتناع زوج، امکان اجرای صیغه عقد از طرف دادرس دادگاه وجود ندارد، بنابراین امکان مطالبه مبلغ چک وجود دارد. (میرداداشی، ۱۳۹۵، ۱۸ _ ۸)

۶- سلامت زنان در عقد نکاح

۱-۶ ازدواج رسمی: سلامت بالاتر

سلامت جنسی و جسمی افرادی که ازدواج رسمی می کنند به مراتب بالاتر از دسته ای است که فقط با مردی هم خانه می شوند. همچنین سلامت روانی در زوج هایی که ازدواج سفید کرده اند در مقایسه با آنهایی که ازدواج رسمی کرده اند بسیار کمتر است. این زوج ها به مراتب افسرده تر بوده و سطح رضایت از زندگی بسیار پایین تری دارند. اینکه زندگی آنها ممکن است خیلی زود بر هم بخورد فشار عصبی سنگینی هم بر مرد و هم زن خواهد داشت و به همین دلیل است که علائم افسردگی به شدت در این افراد به چشم می خورد. (قائم مقامی، ۱۴۰۱)

زنی دارای سلامت روان است که روابط خانوادگی صمیمی و مطلوب داشته باشد و جایگاه خودش را در خانواده و گروه های اجتماعی به درستی بشناسد. غنی بودن روابط کلامی و عاطفی و جنسی با همسرانشان، نقش مراقبتی در مقابل استرس های روزمره داشته و آرامش روان آنها را به دنبال داشته است. وقتی زوجین از یکدیگر ادراک حمایتی و مراقبتی دارند از پس بسیاری از فشارهای نقشی و یا حتی بحران های پیش بینی نشده برمی آیند و در نهایت از سلامت روان لازم برخوردار می شوند. همچنین اشتغال زنان موجب افزایش نفوذ آنان در خانواده می شود. ارتباطی بین رضایت زناشویی و سلامت روان زنان شاغل وجود دارد. مادران شاغل به طور کلی شادتر هستند و بر تأثیر مثبت آن در ارتقای سلامت اجتماعی زنان تأکید شده است. (نصرتی بیگی زاده و دوستان، ۱۴۰۰، ۸۴ _ ۸۳)

۲-۶ سازمان های مردم نهاد در حمایت از سلامت زنان (NGO)

سازمان های و تشکل های غیرحکومتی و مردم نهاد (سمن) را معنی می دهد. سازمان مردم نهاد حرکت خودجوش و داوطلبانه است که با رویکردی ارزشی و انسان دوستانه و با موضوعاتی متنوع با هدف خدمت به جامعه شکل می گیرند، غیر حکومتی، غیر سیاسی و غیر اقتصادی بودن از ویژگی های بارز آن است.

اگرچه انجمن ها و سازمان های داوطلبانه بسیاری در دنیا وجود داشته است. اما سازمان های مردم نهاد به شکل امروزی در دو قرن اخیر گسترش و پرورش یافته اند. یکی از اولین این سازمان ها، سازمان صلیب سرخ جهانی است و در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. اولین تعریفی که از سازمان غیر دولتی (مردم نهاد) آمده است، مربوط می شود به قطعنامه ۲۸۸ _ ECOSOC _ در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۵۰ که در آن این چنین آمده است: "هرگونه سازمان که از طریق پیمان و معاهده بین المللی ایجاد نشده است." نقش اساسی سازمان های غیر دولتی و دیگر گروه های اصلی در توسعه پایدار در ماده ۲۷ دستور کار ۲۱ به رسمیت شناخته شده است، که منجر به توافقات جدید و بازبینی برای روابط شورایی بین سازمان ملل و سازمان مردم نهاد شد.

تعریف ارائه شده از سوی سازمان بین المللی دارای سه مورد است :

۱ _ داشتن هدف عام المنفعه بودن و بدون قصد سودجویی، این سازمان ها باید بدون انتظار سود فعالیت کنند، به همین دلیل سازمان های تجاری از زمره این سازمان ها خارج اند.

۲ _ ایجاد این سازمان ها براساس حقوق داخلی یک دولت است، این سازمان ها اعم از داخلی یا بین المللی تحت حاکمیت حقوق داخلی کشور خودشان هستند.

۳ _ برای اینکه این سازمان های مردم نهاد بین المللی محسوب شوند باید حداقل در چند کشور خارجی برنامه های رفاهی یا خدماتی ارائه بدهند.



تعریف ارائه شده از سوی شورای اروپا: سازمان غیر دولتی جمعیت ها، جنبش ها و یا گروه هایی هستند که با استقلال از دولت بدون قصد منفعت طلبی و در جهت دفاع از منافع خاصی همچون مسائل شغلی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری، علمی و سیاسی و هرگونه فعالیت این چینی شکل گرفته باشد. وظایف اصلی واحد سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه زنان و خانواده در ایران: ۱_ حمایت از اجرای طرح های مشترک در قالب انعقاد تفاهم نامه فی مابین معاونت با سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه زنان و خانواده در موضوعات مختلف از جمله " اشتغال زایی و کارآفرینی"، "پیشگیری از آسیب های اجتماعی"، "تحکیم بنیان خانواده"، "بهداشت و سلامت" و...

۲_ ارزشیابی و نظارت بر عملکرد سازمان های مردم نهاد مجری طرح های مشترک یاد شده با روش های گوناگون از جمله:
الف_ نظارت دفاتر زنان و خانواده استانداردهای کشور

ب_ از طریق اخذ گزارش عملکرد مکتوب از مجریان طرح ها

۳_ سازماندهی، تکمیل و بروز رسانی بانک اطلاعاتی سازمان های مردم نهاد زنان و خانواده با همکاری دفاتر امور زنان و خانواده و امور اجتماعی استانداردهای سراسر کشور و دستگاه اجرایی مجوز دهنده. (معاونت امور زنان و خانواده) سازمان های زنان در ایران:

سازمان های مردم نهاد در ایران را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

الف_ تشکل های سنتی زنان که دیر زمانی است در جهت رفع نیازهای خدماتی و تولیدی شهری و روستایی فعالیت می کنند، این تشکل ها در اشکال متفاوتی، از هم یاری _ خودیاری و دگر یاری وجود داشته اند.

ب_ سازمان های زنانه مدرن که در سال های اخیر به وجود آمده اند و در چهار گروه زیر طبقه بندی می شوند:

۱_ سازمان های تجاری زنان

۲_ سازمان های تحقیقاتی و نشریاتی زنان

۳_ انجمن های خدماتی خیریه

۴_ سازمان هایی با جهت زن مدارانه که در جهت احقاق حقوق زنان فعالیت می کنند.

نتیجه گیری

ازدواج پدیده ای است که از دیرباز و از زمان پیدایش انسان بوده و تا امروز نیز ادامه داشته است. نکاح، یکی از عقود است که در زندگی شخصی و اجتماعی هر شخصی، خصوصاً زنان، دارای نقش فوق العاده است؛ زیرا از لحاظ منافع شخصی، نکاح موفق تأمین کننده سلامتی و نشاط روحی زن است. امروزه پدیده ای نوظهور در امر ازدواج در حال افزایش است.

قانونگذار در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و همچنین در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ برای عدم انجام تکالیف خانوادگی بخش خاصی را تحت عنوان جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی (فصل نوزدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) و مقررات کیفری (فصل هفتم قانون حمایت خانواده) پیش بینی نموده است و مجازات تعیین کرده است.

پس زمانی که بحث از حقوق مالی زن در ازدواج می شود، منظور ازدواج دائم یا موقت است که توضیحاتی در متن مقاله داده شد اما در پاسخ به دو سؤالی که در مقدمه آمده اند:

در نظر گرفتن حقوق مالی برای زنانی که از همسرشان جدا می شوند، ریشه در فقه اسلام دارد و به تبع آن، در قوانین مختلف حقوقی برای زنان در نظر گرفته شده است تا بعد از جدایی از همسرشان، بتوانند به واسطه آن امرار معاش کرده و به زندگی شان ادامه دهند. برخی از این حقوق نیز، به موجب عقد نکاح به زن تعلق می گیرند و ارتباطی به طلاق ندارند؛ لذا مرد مکلف به پرداخت آن به زن است. سلامتی جسم و روان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و یکی بر دیگری تأثیر می گذارد. سلامت روان تمام جنبه های زندگی را تحت الشعاع قرار می دهد.



اگر حقوق مالی زوجه (مهریه، نفقه، اجرت المثل، نحله) از سوی زوج پرداخت نشود علاوه بر جنبه های کیفری و مدنی برای زوج برای زوجه نیز علاوه بر پیامدهای مالی دارای پیامدهای روانی و جسمی و ... نیز هست. مثلاً از لحاظ روانی اگر حقوق مالی زوجه پرداخت نشود همانند زنی می شود که انگار ازدواج سفید کرده و از حقوق مالی ازدواج دائم باز می ماند و این همان تأثیری را می گذارد که ازدواج سفید برای زنان دارد: زنی دارای سلامت روان است که روابط خانوادگی صمیمی و مطلوب داشته باشد و جایگاه خودش را در خانواده و گروه های اجتماعی به درستی بشناسد. غنی بودن روابط کلامی و عاطفی و جنسی با همسرانشان، نقش مراقبتی در مقابل استرس های روزمره داشته و آرامش روان آنها را به دنبال داشته است. وقتی زوجین از یکدیگر ادراک حمایتی و مراقبتی دارند از پس بسیاری از فشارهای نقشی و یا حتی بحران های پیش بینی نشده برمی آیند و در نهایت از سلامت روان لازم برخوردار می شوند. همچنین اشتغال زنان موجب افزایش نفوذ آنان در خانواده می شود. ارتباطی بین رضایت زناشویی و سلامت روان زنان شاغل وجود دارد. مادران شاغل به طور کلی شادتر هستند و بر تأثیر مثبت آن در ارتقای سلامت اجتماعی زنان تأکید شده است. این ازدواج آسیب های اجتماعی و روانی زیادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می کند. مهمترین آسیب ها عبارت اند: کم شدن حس مسئولیت، تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان این ارتباط، کم شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، زیاد شدن احتمال طلاق، کم شدن شادی و نشاط زوجین به خصوص زنان، کاهش فرزندآوری، کاهش شانس مادر شدن دختران.

پیشنهادهای

اصولاً فقر ریشه همه جرایم است پس باتوجه به این جمله اگر از لحاظ اقتصادی و مالی زنان ساپورت شوند یعنی همانطور که در زمان قبل از ازدواج این نیازها توسط پدر زوج تأمین می شود پس بعد از ازدواج نیز این نیازها برعهده شوهر زوج است و اگر این نیازها ساپورت نشوند آسیب زیادی بر زنان وارد می شود پس بهتر است مثلاً مهریه، نفقه، اجرت المثل، نحله و غیره به درستی و کامل همانطور که شایسته زنان هست به آنها پرداخت شوند تا او نیز مجبور به کارهای ناشایست به خاطر نیاز مالی برای خود و اکثراً فرزندانشان نداشته باشند.

در نفقه باید همانطور که در قانون داریم پوشاک، خوراک، بهداشت، درمان زنان را بتواند پوشش دهد اما این قانون در مورد پرداخت نفقه باید بروزرسانی شود تا این پرداختی ها واقعا باید با سطح تورم اقتصادی و هزینه های متعارف هم خوانی داشته باشد. جایگاه عرف و وضعیت اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز باید در تعیین شود و ضمانت اجراها در این مورد باید پیش بینی گردد چرا که فقدان این ضمانت اجرا ها می تواند باعث بروز مشکلات عدیده ای شود.

منابع

۱. صادقی، محمد جواد، (۱۳۹۸)، ازدواج سفید یا هم باشی سیاه، مشخصات نشر: خراسان رضوی: انتشارات جالیز.
۲. داود آبادی فراهانی، میثم، (۱۳۹۹)، بررسی ضمانت اجرای کیفری در نظام حقوق خانواده، مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، (۱۵) ۶۹ - ۶۰.
۳. یوسفی صادققلو و پورمحمدعلی، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی تحدید حقوق زنان ناشی از عقد نکاح، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳ (۵۰) ۵۳ - ۳۵.
۴. میرداداشی، سید مهدی (۱۳۹۱) ضمانت اجرای تعهد به ازدواج دائم. فصلنامه تخصصی مطالعات فقهی و فلسفی، ۳ (۱۲)، ۲۱ - ۷.
۵. قائم مقامی، علی، (۱۴۰۱)، ازدواج سفید چیست؟ مضرات و ویژگی های آن برای جوانان.
۶. نصرتی بیگی زاده و دوستان، (۱۴۰۰) ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی، مطالعات راهبردی زنان، (۹۱)، ۱۰۶ - ۸۹.



Guarantee of Performances Resulting from the Marriage Contract in Support of Women's Health

Sonia Alizade Same

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Shabest branch, Islamic Azad University, Shabest, Iran (Corresponding Author)
Sonya.alizadeh@yahoo.com

Zahra Jalilian Azar

M.A student in Family Law, Shabest branch, Islamic Azad University, Shabest, Iran
Zahra98937@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: The issue of marriage and marriage is known as one of the most sacred matters related to social life, which is referred to as the sacred pillars of society in the foundations of Iranian-Islamic culture. In the present study, an attempt is made to answer the research question under the title of "Guarantee of performances resulting from the marriage contract in support of women's health."

Research Method: Analytical and descriptive methods have been used in this research.

Findings: Marriage is a type of contract and naturally the basic conditions of correctness (the subject of Article 190 of the Civil Code) and the general rules of obligations must be observed in it. It comes to a point in marriage that is compatible with the original nature of marriage

Conclusion: One of the legal challenges that have involved the courts is the issue of commitment to permanent marriage.

Keywords: Law, Marriage, Performance Guarantee, Support, Women's Health